

بررسی مقابله‌ای کلمات اندازه‌گیری زبان فارسی با زبان کردی (گوش سورانی و کردی کلهری) با رویکرد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان

ناصر رشیدی *

محسن راغ نژاد **

چکیده

اهمیت و جایگاه زبان‌شناسی مقابله‌ای در بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان دو یا بیشتر از دو زبان، به‌ویژه مقایسهٔ زبان فارسی با زبان‌های دیگر، نیازمند برنامه‌ریزی و انجام تحقیقات بیشتری است. امروزه، در این زمینه، کارهای زیادی در حوزه‌های مختلف: دستور، آواشناسی، گفتمان، واژگان و حتی بررسی مقابله‌ای دو متن از دو زبان، به انجام رسیده‌است. در پژوهش حاضر که در زمینهٔ واژگان است سعی شده اسم‌های اندازه‌گیری (طول، عرض، عمق، پهنا، بلندی) فارسی و کردی (سورانی، کلهری) و صفات مربوط به آنها در یک مدل تحلیلی نشان داده شود و به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های دو زبان و دو گویش (سورانی، کلهری)، در جهت آموزش زبان فارسی، به کسانی که برای آنها زبان فارسی به مثابه زبان ثانوی و زبان خارجی محسوب می‌شود پرداخته شود؛ و در پایان نشان داده شود که اختلافات بین زبانی، اختلافات بین گویشی، خطاهای سبکی، شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شکاف واژگانی در دو زبان و دو گویش در آموزش زبان فارسی، تأثیرگذار هستند. همچنین نتایج حاصل، حاکی از آن است که تفاوت‌های اساسی میان کلمات اندازه‌گیری فارسی و کردی (کلهری، سورانی) وجود دارد؛ بطوریکه نادیده گرفتن آنها منجر به بوجود آمدن خطاهای بین زبانی و خطاهای سبکی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بررسی مقابله‌ای، آموزش زبان فارسی، اسم‌های اندازه‌گیری، گوش سورانی، گوش کلهری.

* استاد دانشگاه شیراز. Email:naser.rashidi@shirazu.ac.ir

** کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان.

۱. مقدمه

امروزه، آموزش زبان در نقاط مختلف دنیا، نیازمند توجه بیشتر به زبان‌شناسی مقابله‌ای است؛ از اینرو، فراگیران می‌بایست نسبت به تفاوت‌ها و شباهت‌های زبان مبدأ و زبان مقصد آگاهی کافی داشته باشند. به نظر یارمحمدی (۱۳۹۰، ص: ۱۲)، بررسی مقابله‌ای* «زیر شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که نظام‌ها یا زیر نظام‌های یک یا بیشتر از یک زبان را یکجا جمع می‌کند و به منظور تعیین تفاوت‌ها و شباهت‌های میان آنها بر حسب برخی ویژگی‌های زبان‌شناسی مشخص، آنها را در برابر همدیگر قرار می‌دهد».

یارمحمدی (۱۳۹۰، ص: ۱۹)، معتقد است که «مطالعات مقابله‌ای معمولاً به دو شاخهٔ تئوریک[†] و کاربردی[‡] تقسیم می‌گردد». از نظر وی، مطالعات مقابله‌ای تئوریک، به شرح‌دادن تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختار دویا بیشتر از دوزبان مربوط می‌شوند. اما هدف از مطالعات مقابله‌ای کاربردی، استفاده از تحلیل مقابله‌ای تئوریک برای مجموعه‌ای اهداف خاص می‌باشد. آموزش زبان و ترجمه نمونه‌ای بارز از مطالعات کاربردی می‌باشند.

به نظر خرم‌دل (۱۳۸۹) الفبای کردی مرکب از ۲۹ حرف است. بعضی از حروف الفبایی زبان کردی مانند «ل، ر» در مقایسه با زبان فارسی تفاوت دارد. همچنین در زبان کردی دو نوع «او» وجود دارد. حرف «کاف» از حیث تلفظ در کردی به دو قسم است.

وی (۱۳۸۹؛ ۱۲) همچنین بر این عقیده است که «در زبان کردی حروف (ص، ث) را به صورت (س) و حروف (ض، ظ، ذ) را بصورت (ز) و حرف (ط) را به شکل (ت) می‌نویسند: یعنی حروف (ص، ض، ث، ظ، ذ) در زبان کردی وجود ندارد».

او همچنین به توصیف دستور زبان کردی و فارسی می‌پردازد. برای نمونه می‌آورد «علامت جمع در فارسی (ها، ان) است ولی علامت جمع در زبان کردی (یان، ان، گه، ل) است. و یا علامت اسم مصغر در فارسی (ک، چه، و) است ولی در زبان کردی ۱۹ علامت دارد» (خرم‌دل، ۱۳۸۹، ص: ۳۰، ۲۶).

پژوهش حاضر، به تحلیل مقابله‌ای کاربردی و تحلیل خطا می‌پردازد. یارمحمدی و رشیدی (۲۰۰۶؛ ۱۷، ۱۸) در بررسی تحلیل خطاها در زبان انگلیسی و فارسی به چهار نوع خطا اشاره کرده‌اند.

۱. خطاهای بین زبانی[§]: خطاهای که ریشهٔ آنها در زبان مادری است؛ برای نمونه فارسی زبانان کلمهٔ «رئیس» را با هر ترکیبی به کار می‌برند. مثل: رئیس دانشگاه، رئیس بانک، رئیس مدرسه و رئیس دانشکده؛

* . Contrastive analysis

† . Theoretical

‡ . Application

§ . Interlingual

۴۱ بررسی مقابله‌ای کلمات اندازه‌گیری زبان فارسی با زبان کردی... ❁

و غیره؛ اما انگلیسی‌زبان‌ها هر کدام از واژگان (دانشگاه، بانک، مدرسه، دانشکده) را با کلمه خاصی به کار می‌برند؛ برای مثال با واژه‌های «رئیس دانشگاه» Chancellor، «رئیس بانک» Manager، «رئیس مدرسه» Principale و «رئیس دانشکده» Dean را به کار می‌برند.

۲. خطاهای درون زبانی^{*}: به خطاهای گفته می‌شود که از تعمیم نابجای شکل‌های (فرم‌های) زبان خارجی نشأت می‌گیرند؛ اضافه کردن (s) جمع به همه اسم‌های باقاعده و بی‌قاعده انگلیسی و یا اضافه کردن (ed) علامت گذشته‌ساز انگلیسی به همه افعال باقاعده و بی‌قاعده دو نمونه‌ای از خطاهای درون‌زبانی است.

۳. خطاهای تکوینی[†]: به خطاهایی گفته می‌شوند که کودکان در هنگام فراگیری زبان اول آنها را تولید می‌کنند؛ مثلاً: استفاده از کلمه سوزیدن بجای سوختن در زبان فارسی.

ماکرین (۱۹۸۶) خطاهای بین‌زبانی و خطاهای تکوینی را با یک عنوان معرفی کرده‌است زیرا به اعتقاد ایشان منشأ آنها در درون زبان دوم است.

۴. خطاهای مبهم[‡]: به خطاهایی گفته می‌شوند که به خطاهای درون‌زبانی و هم به خطاهای بین‌زبانی مربوط می‌شوند. برای مثال: خطاهایی که از دید یک زبان‌شناس درون‌زبانی است و از دید دیگری بین‌زبانی است از این نوع خطاها محسوب می‌شوند.

به نظر یارمحمدی، رشیدی (۲۰۰۶) برای تحلیل خطا اولین گام شناسایی کردن خطا است[§]، در دومین گام به توصیف خطا^{**} پرداخته می‌شود و در سومین گام منبع خطا^{††} مشخص می‌شود. از نظر آنها، تحلیل خطا در سطوح مختلف دستور^{‡‡}، آواشناسی^{§§}، گفتمان^{***} و واژگان^{†††} صورت می‌گیرد. در پژوهش پژوهش حاضر تحلیل خطا بیشتر بر روی واژگان صورت می‌گیرد.

بنظر یارمحمدی (۱۳۹۰) مراحلی که برای مقایسه دو سیستم زبانی در نظر گرفته شده، شامل چهار مرحله است:

۱. توصیف^{‡‡‡}: اولین گام برای به اجرا در آوردن یک تحلیل مقابله‌ای، فراهم کردن توصیفی از ویژگی‌های زبان‌هایی است که مورد مقایسه قرار می‌گیرند. به عقیده کرشافسکی (۱۹۹۰:۳۵) "هیچ

*. Intralingual

†. Developmental errors

‡. Ambiguous errors

§. Identification of errors

** . Description of errors

†† . Determining the source of errors

‡‡. Grammars

§§. Phonology

*** . Discourse

††† . Lexical

‡‡‡ . Description

مقایسه‌ای بدون توصیفی از عناصر دو زبانی که باید مورد مقایسه قرار گیرند، امکان ندارد."

۲. تطبیق دادن: مرحله‌ای است که یک شخص تصمیم می‌گیرد که چه چیزی را با چه چیزی مورد مقایسه قرار دهد؛ برای نمونه عبارت اسمی در زبان مبدأ را با عبارت فعلی در زبان مقصد مقایسه می‌کند و یا جملات امری در زبان مبدأ را در برابر جملات پرسشی در زبان مقصد، برای اهداف مقابله‌ای در کنار هم قرار می‌دهد.

۳. مقایسه[†]: مقایسه واقعی با مقابله دو ساختار در دو زبان در این مرحله انجام می‌شود.

۴. پیش بینی[‡]: در این مرحله به پیش بینی خطاهای احتمالی فراگیران پرداخته می‌شود.

مطالعه حاضر اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱. فراهم کردن یک مدل تحلیلی مبسوط برای اسم‌های اندازه‌گیری[§] «طول^{**}، عرض^{††}، عمق^{‡‡}، پهنا^{§§}، عمق^{‡‡}، پهنا^{§§}، بلندی^{***}» و صفات مربوط به آنها در زبان فارسی و زبان کردی (سورانی، کلهری).
کلهری).

۲. نشان دادن تفاوت‌های ترکیب پذیری هر آیتیم در فارسی و کردی.

۳. نشان دادن خطاهای بین‌زبانی و درون‌زبانی.

۴. نشان دادن شباهت‌ها و تفاوت‌های واژگانی دو زبان (فارسی، کردی) و دو گویش (سورانی و

کلهری).

۵. پیش‌بینی دشواری‌های آموزش زبان فارسی در دو گویش (سورانی، کلهری).

اکنون به توصیفی درباره‌ی زبان فارسی معیار و زبان کردی (گویش کلهری، گویش سورانی) می‌پردازیم. مینورسکی (۱۳۸۲)، زبان کردی را یکی از زبان‌های غربی که به سه شاخه اصلی شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود، می‌شمرد. شاخه شمالی، کرمانجی و شاخه مرکزی، سورانی نامیده می‌شود. همچنین کردی به زنجیره گویش‌های گفته می‌شود، که کردها هم‌اینک به آن سخن می‌گویند. زبان کردی یا زبان‌های کردی، از زبان‌های ایرانی شاخه غربی هستند که با زبان فارسی و بلوچی خویشاوندی دارند. این زبان شباهت‌های زیادی با زبان‌های بلوچی، گیلکی و تالشی دارد. از دیگر زبان‌های مشابه به زبان

* . Juxtaposition

† . Comparison

‡ . Prediction

§ . Measure Words

** . Length

†† . Width

‡‡ . Depth

§§ . Thickness

*** . Height

۴۳ بررسی مقابله‌ای کلمات اندازه‌گیری زبان فارسی با زبان کردی... ❁

کردی که زیر گروه زبان‌های جنوب غربی ایرانی به‌شمار می‌آیند، لری، بختیاری و فارسی هستند که هر کدام در مناطق وسیعی تکلم می‌شوند. تعریف یک زبان به عنوان «کردی»، همواره دستخوش عوامل غیر زبان‌شناختی به‌ویژه سیاسی و فرهنگی است. زبان کردی نیز به‌مانند بسیاری از زبان‌های دیگر از یک شکل استاندارد و مرز و بوم مشخص برخوردار نیست؛ بنابراین به شاخه‌های مختلف کرمانجی، کلهری، سورانی، گورانی و اورامانی و همچنین زازار (گروهی این زبان را نیز جزء زبان کردی به‌شمار می‌آورند)، تقسیم می‌گردد.

در این پژوهش به گویش‌های کلهری و سورانی پرداخته شده‌است؛ که گویش کلهری یکی از گویش‌های جنوبی کردی می‌باشد و خود به لهجه‌های مختلف و متعددی از جمله گروسی، کلیایی، زنگنه، قصری، فایلی، کرنی و کرمانشانی تقسیم می‌گردد.

دامنه جغرافیایی این لهجه‌ها، شامل قسمت‌هایی از استان کرمانشاه - ایلام (ایوان غرب) و بخشی از کردستان عراق یعنی شهرهای: خانقین، مندلی، زربانیه، جلولا، حسابان، کلاروکفری یران می‌باشد. در کل، از سمت شرق به غرب از گردنه اسدآباد تا بلولا در کردستان عراق (نزدیک بغداد) و از شمال به جنوب بیجار در استان کردستان (سنندج) تا شمال استان ایلام و شهرستان ایوان منتهی به کوه‌های کلهر را می‌توان قلمرو این لهجه‌ها دانست.

اما سورانی یا کردی میانی یکی از گویش‌های زبان کردی است. سورانی در بخش میانی مناطق کردنشین ایران و همچنین در نیمه جنوبی کردستان عراق صحبت می‌شود. شهرهای اصلی گویش‌وران سورانی عبارتند از: پیرانشهر، بانه، بوکان، اشنویه، سردشت، مهاباد، نقده، سقز، دیوان‌دره، شاهین‌دژ، سنندج، تکاب، قسمتی از بیجار، مریوان، جوانرود، کامیاران، سلیمانیه، اربیل، کویسنجق و کرکوک.

در عراق گویش سلیمانی از گویش‌های سورانی (که در سلیمانیه متداول بود) در زمان سلطه انگلیسی-ها (۱۹۳۲-۱۹۱۸) و در ایران گویش مکرری در سال (۱۹۴۶-۱۹۴۰) به عنوان معیار سورانی برگزیده شد. بیش از آن در سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی زبان اورامانی به عنوان زبان نوشتاری کردی به‌کار رفته بود.

در کل وسعت جغرافیایی زبان کردی در بخش‌های ایران، عراق، سوریه و ترکیه قرار دارد و همچنین در جمهوری آذربایجان، ارمنستان و لبنان جمعیت‌هایی با این گویش زندگی می‌کنند.

اما زبان فارسی معیاری که در این پژوهش به آن پرداخته شد، زبانی است که در مدارس سراسر کشور آموزش داده می‌شود و در نوشته‌های علمی، رسمی و اخبار رسانه‌ها و غیره به کار می‌رود. در جامعه ما این شکل زبان معمولاً شکل صحیح آن تلقی می‌شود و سایر طبقات اجتماعی سعی می‌کنند از آن تقلید کنند.

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی مقابله‌ای، پژوهش‌های زیادی به زبان انگلیسی و فارسی نوشته شده‌است که در اینجا به ذکر مواردی که توسط نِمسر، ریچارد، سیلکنر، منوچهری، جانسون و یارمحمدی نوشته شده، می‌-

پردازیم. البته به‌عنوان مهم‌ترین کارهایی که در این زمینه در ایران صورت گرفته، می‌توان به پانزده مقاله انگلیسی و فارسی که توسط یارمحمدی نوشته شده، اشاره کرد.

نمسر (۱۹۷۱)، در پژوهشی به سیستم تقریبی* فراگیران زبان خارجی پرداخت و عنوان کرد زبان مقصد[†] زبانی است که فراگیران به یادگیری آن می‌پردازند و یا زبانی است که عمل مکالمه با آن صورت می‌گیرد. زبان مبدأ[‡]، زبانی است که به عنوان منشأ تداخل زبانی عمل می‌کند (انحراف[§] از شکل اصلی اصلی زبان مقصد)؛ اما به طور عادی زبان زبان مادری گویش‌ور است. سیستم تقریبی یک سیستم زبانی مبهم است که توسط فراگیران در هنگام یادگیری زبان مقصد به کار گرفته می‌شود. ایشان در پایان این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که: رفتار زبانی فراگیران از لحاظ ساختاری سازماندهی شده است و شرایط خاصی که در آن ارتباط به وجود می‌آید را نمی‌توان با ارجاع به زبان مبدأ و مقصد توصیف نمود بلکه می‌توان آن را با ارجاع به سیستم تقریبی توصیف کرد. به اعتقاد وی رویکرد بررسی مقابله‌ای پیش‌بینی رفتار فراگیران با در نظر گرفتن شباهت‌ها و تفاوت‌های زبان مبدأ و مقصد است.

ریچارد (۱۹۷۱) در پژوهشی در مورد رویکرد غیر مقابله‌ای در تحلیل خطاها** به بررسی خطاهای بیشماری می‌پردازد که در فراگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم قابل مشاهده است. خطاهایی که از انتقال زبان دیگر سرچشمه نمی‌گیرند، بلکه خطاهایی هستند که منشأ آنان در خود زبان مادری است، خطاهای بین‌زبانی نام دارند. اما نوع دیگری از خطاها که ویژگی‌های کلی قواعد یادگیری مانند تعمیم نابه‌جا، استفاده نادرست از قواعد و یادگیری در موقعیت‌هایی که در آنها قواعد استعمال می‌شوند، انعکاس می‌دهند، خطاهای فرازبانی نام دارند. برای نمونه، می‌توان به اضافه کردن (ed)، به همه فعل‌های (با قاعده، بی‌قاعده) در زبان انگلیسی و یا اضافه کردن (s) به همه اسم‌های انگلیسی برای جمع بستن اشاره کرد. در پایان این پژوهش به این نتیجه می‌رسد، که خطاهای درون‌زبانی می‌تواند ناشی از شیوه آموزش نادرست و تداخل آیت‌هایی که در درون زبان مقصد است، باشد؛ که اینها را نمی‌توان در زمره بررسی مقابله‌ای به-شمار آورد.

سیلکتر (۱۹۷۲)، به طرح‌های تئوریک مربوط به شیوه‌هایی که بزرگسالان عملاً زبان دوم را یاد می‌گیرند، اشاره می‌کند که شامل: مشخصات درون‌زبانی^{††}، زبان مادری^{‡‡}، زبان مقصد^{§§}، زبان بینابین^{***}،

* . Approximative Systems.

† . Target language

‡ . Source language

§ . Deviation

** . A Non-Contrastive Approach to Error Analysis

†† . Interlingual identifications

‡‡ . Native Language

§§ . Target Language

۴۵ بررسی مقابله‌ای کلمات اندازه‌گیری زبان فارسی با زبان کردی... ❁

بینابین*، فسیل‌شدگی[†]، زنجیره نحوی[‡]، رده‌بندی واج[§] و ویژگی‌های آواشناسی^{**} هستند.

جانسون (۱۹۵۴) در پژوهش خود، به کاربرد تجزیه و تحلیل مقابله‌ای می‌پردازد و در ادامه به بررسی خطاها در زبان مادری، خطاهای زبان شناسی^{††}، خطاها در زبان مقصد و تحلیل خطاها^{‡‡} می‌پردازد. مراحل آن بطور خلاصه شامل مقایسه میان متن اصلی و ترجمه آن، تفاوت‌ها و شباهت‌ها و اشکالات فراگیران بر پایه مقایسه دو زبان پیش‌بینی می‌شود.

منوچهری (۱۹۷۴) در پژوهشی به بررسی اشکالات دانش‌آموزان ایرانی از طریق مقایسه ساختار فعلی فارسی و انگلیسی پرداخت و عنوان کرد که هر کس می‌خواهد زبان فارسی را به غیر فارسی‌زبانان آموزش دهد، می‌بایست اطلاعاتی در مورد زبان مادری آنان داشته باشد. این نوع اطلاعات معلم را قادر می‌سازد که پیش خود را نسبت به اشکالاتی که دانش‌آموزان با آنها مواجه‌اند، افزایش دهد.

یارمحمدی (۱۹۸۸) سه مرحله مشترک: دستوری-معنایی^{§§}، منظورشناختی^{***} و گفتمانی^{†††} را مشخص می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که در هر مرحله یک خاستگاه مشترک (TC)^{†††} وجود دارد.

به نظر یارمحمدی (۱۹۹۷) چون جملات شرطی به دو قسمت شرط و جواب شرط تقسیم می‌شوند، اشکالات یادگیری بیشتر در جواب شرط می‌باشد. که این اشکالات یا سبکی^{§§§} است و یا ارتباطی^{****}. به ارتباطی^{****}. به اعتقاد ایشان به اشکالات سبکی و دستوری خطاهای بین زبانی^{††††} می‌گویند.

یارمحمدی (۱۳۷۱، ص، ۳۰)، در بررسی مسائل چندزبانگی زبان فارسی در ایران عنوان می‌کند تقسیم‌بندی گویش‌وران پارسی‌زبان از نظر عضویت جامعه زبانی روی یک طیفی قرار می‌گیرد که یک قطب آن ساکنان روستاهای دورافتاده جامعه غیر فارسی‌زبان و در قطب دیگر ساکنان شهرهای بزرگ چون تهران قرار دارند. در این تقسیم‌بندی برای نمونه در مورد ترک‌زبانان می‌توان حداقل سه گروه نسبتاً مشخص متصور شد: ۱. ترک‌های ساکن شهرهایی چون تهران ۲. ترک‌های ساکن شهرهایی چون تبریز و زنجان ۳. ترک‌های ساکن روستاهای آذربایجان. چنین تقسیم‌بندی در مورد گویش‌وران زبان‌های دیگر نیز تاحدی صادق

* . Interlanguage

† . Fossilization

‡ . Syntactic string

§ . Taxonomic Phoneme

** . Phonetic Feature

†† . Errors Linguistics

‡‡ . Errors Analysis

§§ . Semanto-Syntactic

*** . Sociopragmatic

††† . Discourse

†††† . Tertium Comparationis(TC)

§§§ . Stylistic

**** . Communicative

†††† . Interlingual Errors

است. پس می‌شود گفت که: زبان فارسی برای گروه اول زبان مادری و برای گروه دوم زبان ثانوی و برای گروه سوم زبان خارجی محسوب می‌شود.

یارمحمدی (۱۹۸۰) چارچوبی مشخص برای مقابله و واژگان اندازه‌گیری دو زبان فارسی و انگلیسی ارائه می‌دهد. این پژوهش دو هدف اصلی در بر داشت: ۱. فراهم کردن تحلیلی جامع در مورد کلمات اندازه‌گیری فارسی و انگلیسی و برنامه‌ریزی برای حل مشکلات احتمالی فراگیران فارسی‌زبان ۲. فراهم کردن مدلی برای تحلیل واژگان در ارتباط با شرایطی که بتواند سیستم تقریبی فارسی‌زبانانی را که در حال یادگیری زبان انگلیسی هستند، توصیف کند.

کلباسی (۱۳۷۱) در «مقایسه بین دو گویش مهابادی و سلیمانیه از زبان کردی» به این نتیجه می‌رسد که هر دو گویش مذکور صرف نظر از تفاوت‌های آوایی و واژگانی که بی شک معلول محیط فرهنگی، برخورد زبان‌ها و عوامل جغرافیایی است، از نظر دستوری تفاوت‌هایی دارند؛ ولی باید گفت که دامنه این تفاوت‌ها به حدی نیست که در امر تفهیم و تفاهم بین گویندگان دو گویش اختلافات عمده‌ای پدید آورد.

کلباسی (۱۳۷۴) با «مقایسه میان کردی مهاباد، سنندج و کرمانشاه»، به این نتیجه می‌رسد که کردی مهاباد اصیل‌تر از دو گویش دیگر است؛ به این معنی که ویژگی‌های زبان کردی را بیشتر حفظ کرده است. کردی سنندج بیش از کردی کرمانشاه به کردی مهاباد نزدیک است؛ و دیگر اینکه کردی کرمانشاه مواردی از کردی و فارسی را در هم آمیخته است.

ضیاء حسینی (۱۳۷۷) در پژوهشی به بررسی زمان‌هایی که برای گویشوران ترکی آذری به‌هنگام یادگیری زبان فارسی مشکل‌آفرین هستند، پرداخت و به این نتیجه رسید که زبان‌آموزان الگوهای زبان مادری خود را به زبان فارسی تعمیم می‌دهند.

رضا مقدم (۱۳۸۵) در پژوهشی بر اساس مراحل کار در زبان‌شناسی مقابله‌ای ابتدا مشخصه‌های زبر زنجیری را در زبان فارسی و ژاپنی مورد توصیف قرار می‌دهد و سپس پیش‌بینی‌هایی را درباره مشکلات دانشجویان فارسی‌زبان در یادگیری تلفظ و گفتار زبان ژاپنی انجام می‌دهد.

پهلوان‌نژاد و اسدپور (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «مشخصه دستوری گویش سورانی»، به این نتیجه می‌رسند که همگون بودن و هم‌ریشه بودن بسیاری از واژه‌ها و ساختار جملات بین گویش سورانی و فارسی قرابت و پیوستگی درخور توجهی را نمایان می‌سازد. همچنین اشاره می‌کند زبان فارسی و زبان کردی هم‌ریشه‌اند و با توجه به دستور واژگان آنها می‌توان بسیاری از نکات مبهمی را که در متون کهنه فارسی وجود دارد، روشن نمود؛ زیرا این گویش‌ها در حقیقت ادامه یا هم‌خانواده زبانی هستند که در متون کهنه فارسی به‌کار رفته است.

۴۷ بررسی مقابله‌ای کلمات اندازه‌گیری زبان فارسی با زبان کردی... ۴۷

یارمحمدی، رشیدی (۱۳۸۹) در بررسی مقابله‌ای واژگانی به شکاف‌های واژگانی* اشاره کردند: به این به این معنی که دو کلمه از زبان انگلیسی و فارسی مشابه هم هستند ولی وقتی دقیق آنها را بررسی می‌کنیم اینطور به نظر نمی‌رسد و از همین رو به شکاف‌ها یا ابهام واژگانی برمی‌خوریم. در این پژوهش به بررسی مقابله‌ای واژه (herd) در زبان انگلیسی و کلمات معادل آن در زبان صرب و کرواسی اشاره می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که میان کلمه ارائه شده (herd) و کلمات معادل آن در زبان صرب و کرواسی ارتباط وجود دارد. دوم اینکه نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد که چگونه می‌توان یک واژه را با واژگان معادل مقایسه کرد. سوم اینکه می‌توان معادل این کلمات را در زبان مادری فراگیران نشان داد.

شهبوساری (۲۰۱۰) با بررسی و مقایسه گویش لکی با کردی و لری به این نتیجه می‌رسد که لکی از قواعد گویش‌های کردی تبار تبعیت نکرده و اشتراکات بین زبان لکی و گویش‌های کردی به خاطر اشتراکات موجود بین تمامی زبان‌های شمال غربی ایران است.

تفرجی یگانه (۱۳۹۱) در پژوهشی جایگاه بنیادین فاعل در گویش جنوبی زبان کردی (لهجه معیار شهرستان ایلام) را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که فاعل به عنوان موضوع بیرونی فعل در نظر گرفته می‌شود که به طور غیر مستقیم نقش تتایی خود را از فعل دریافت می‌کند و همچنین از ترکیب فعل و متمم فعل یک تیره حاصل می‌شود که به فاعل نقش تتا اعطا می‌کند.

تاکنون پژوهش‌های زیادی در مورد بررسی مقابله‌ای دو زبان، در حوزه‌های مختلف دستور، آواشناسی، متن، گفتمان و واژگان به طور کلی انجام شده و به طور خاص دو زبان انگلیسی و فارسی و انگلیسی و زبان‌های دیگر توسط نمسر، ریچارد، سیلکنر، منوچهری، جانسون و یارمحمدی به انجام رسیده، که از این میان بررسی مقابله‌ای کلمات اندازه‌گیری توسط یارمحمدی (۱۹۸۰) بیشتر شبیه به پژوهش حاضر است؛ اما برای اولین بار است که پژوهشی با یک رویکرد جدید، به مقایسه اسم‌های اندازه‌گیری زبان فارسی و زبان کردی (سورانی، کلهری)، با رویکرد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی-زبانان می‌پردازد.

۳. روش

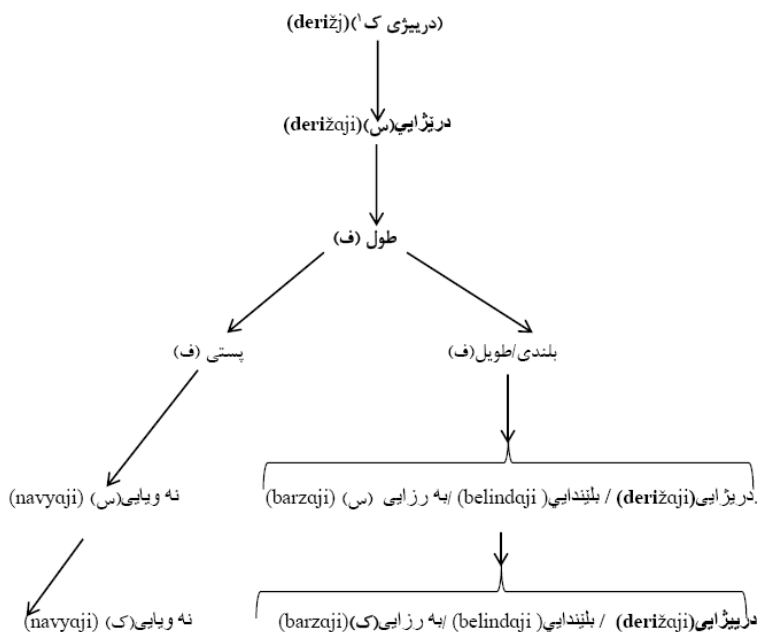
در این پژوهش، از طریق مصاحبه به روش کیفی سه گویش‌ور (۲ نفر مرد و ۱ نفر زن، میانگین سنی = ۲۷/۵، رده سنی: (۳۰-۲۵))، از دانشجویان دانشگاه شیراز شرکت کردند که به ترتیب یک مرد ۲۷ ساله دانشجوی کارشناسی ارشد به عنوان گویش‌ور کردی سورانی و یک گویش‌ور مرد ۲۵ ساله دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز به عنوان گویش‌ور کردی کلهری و یک خانم ۳۰ ساله به عنوان گویش‌ور فارسی معیار بودند. همچنین در این پژوهش، زبان فارسی برای گویش‌ور کردی سورانی، به مثابه زبان خارجی و برای گویش‌ور کردی زبان کلهری، به مثابه زبان دوم و برای گویش‌ور فارسی معیار، به عنوان زبان

* Lexical Pitifall

اول محسوب می‌شد. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش شامل پنج کلمه اندازه‌گیری (طول، عرض، عمق، پهنا، بلندی) بودند. سعی کردیم کلمات اندازه‌گیری را در یک مدل مقایسه‌ای هم به زبان فارسی و هم به زبان کردی (کلهری، سورانی) نشان دهیم و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را با ذکر مثال عنوان کنیم. از طریق مصاحبه اطلاعات مورد نظر را گردآوری کردیم و سعی شده معادل درست کلمات اندازه‌گیری به کمک گویش‌وران (ذکرشده در پژوهش) به‌طور صحیح لحاظ شوند. داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش ابتدا در یک مدل تحلیلی نشان داده شدند و معادل فارسی با حرف «ف» و معادل کردی کلهری با حرف «ک» و معادل کردی سورانی با حرف «س» نشان داده شدند و هر کلمه اندازه‌گیری با ذکر مثال-هایی، هم به زبان فارسی و هم به زبان کردی (کلهری، سورانی) مورد بررسی قرار داده شدند و با مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان جملات و کلمات اندازه‌گیری به تحلیل مقابله‌ای و تحلیل خطا پرداخته شد. از این طریق سعی شد نکات آموزشی کلمات اندازه‌گیری در هنگام تدریس زبان فارسی به کردزبانان نشان داده شوند و خطاهای قابل پیش‌بینی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

۴. نتایج

۴.۱. طول



مثال ۱: الف. کوه بلند (ف) = کئیوئ به رز(س) (kjuibarz)

ب: کوه مرتفع = کئیوئ بلیند(س) (kjuibelind)

ج: ارتفاع از سطح زمین/دریا(ف) = بلیندایی له زه وی/ده ریا(س)

(belindaji la ze vi/darya)

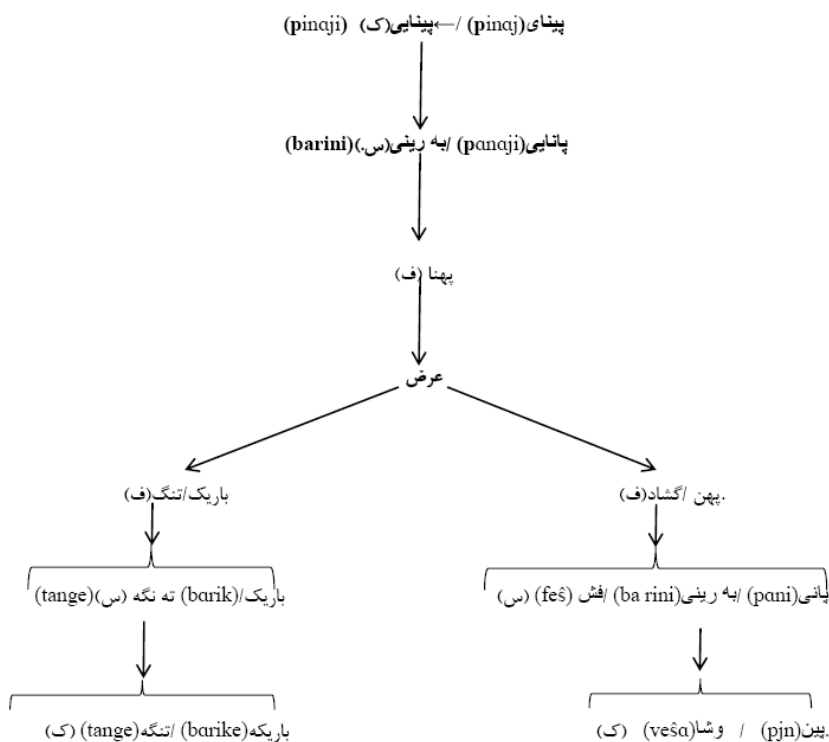
مثال ۱: د: کوه بلند است(ف) = کئیو گه به رزه(ک) (kjugabarze)

ه: کوه مرتفع(ف) = کئیو گه به رزه(ک) (kjugabarze)

و: ارتفاع از سطح زمین/دریا (ف) = ئیرتفاع له سه تحی زه وی/دریا چه نه که[†] (ک)

(?irtefa la sathi ze vi/ darya çe na ke)

۲. عرض

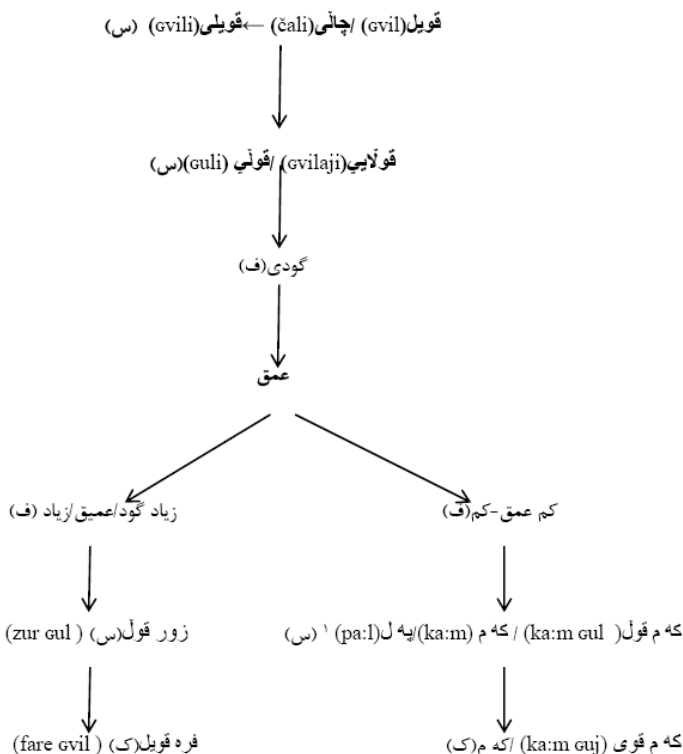


* در این پژوهش، حرف (ک)، مخفف واژه گویش کردی کلهری، حرف (س)، مخفف واژه گویش کردی سورانی و حرف (ف)، مخفف واژه فارسی معیار می‌باشد.

†. ترجمه کردی این جمله ها، براساس گفته گویشوران می‌باشد.

- مثال ۲: الف: خیابان باریک است (ف) = خیابان ته نگه (س) (χeyaban tange)
 ب: این کوچه تنگ است (ف) = نه م کولانه ته نگه (س) (?m kulane tange)
 ج: پهنای خیابان چقدر است؟ = (ف) پانایی / به رینی خیابان چه نده؟ (س)
 (panaj/ barini χeyaban čande?)
- د: این پیراهن گشاد است (ف) = نه م کراسه فشه (س) (?m kerase feše)
 مثال ۲: ه: خیابان باریک است (ف) = خیابانگه باریکه (ک) (χeyavanage barike)
 و: این کوچه تنگ است. (ف) = نه م کولانه ته نگه (ک) (?m kulane tange)
 ز: این پیراهن گشاد است (ف) = نی شه یوه وشاس (ک) (?i šajve vešas)
 ر: شلوار تنگ است (ف) = شلوارگه ته نگه (ک) (Šalvarage tange)

۳. عمق



- مثال ۳: الف: عمق این رودخانه چند است؟ (ف) = قولایی نه م چومه چه نده؟ (س)

۵۱ بررسی مقابله‌ای کلمات اندازه‌گیری زبان فارسی با زبان کردی... ۵۱

(qvilajam čume čande?)

ب: این رودخانه زیاد گود است. (ف) = نه م چۆمه زورقوله. (س) (am čume zur qule.)

ج: این رودخانه کم عمق است. (ف) = نه م چۆمه کهم قوله/په له. (س)

(am čume kamqule/ pa:l.)

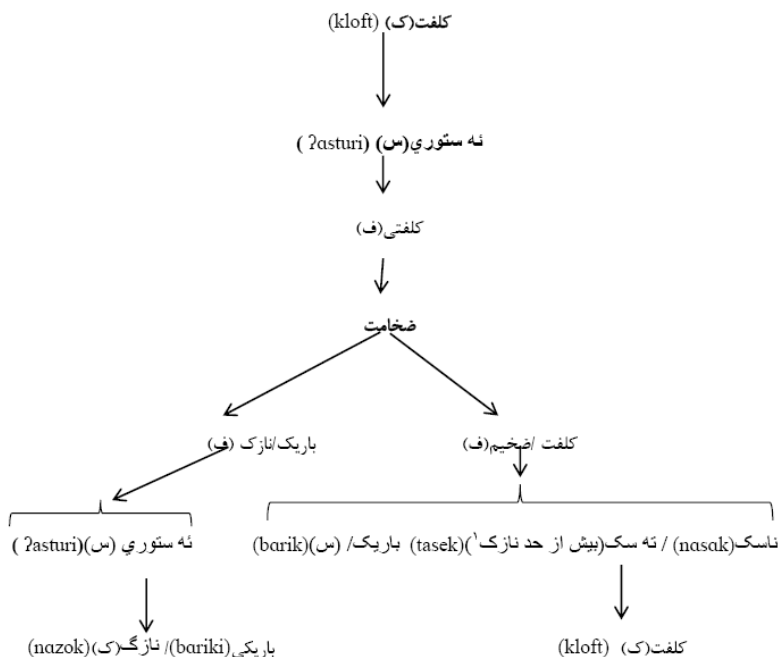
د: ۳: عمق این رودخانه چقدر است؟ (ف) = قویلی ئی چه مه چه نی گه؟ (ک) (qvili ičume čani

ga?)

ه: این رودخانه زیاد گود است. (ف) = ئی چه مه فره قویله. (ک) (aj čema fare qvile)

و: این رودخانه کم عمق است. (ف) = ئی چه مه کهم قویله. (ک) (aj čema kam qvile)

۴. ضخامت



ضخامت (ف) = نه ستورایی (س) (?asturaj) = پینایی (ک) (pinaji)

مثال ۴: الف: ضخامت کتاب چند است؟ (ف) = نه ستورایی نه م کتیبه چه نده؟ (س)

(?asturi ?am ketibeh čande?)

ب: تنه این درخت کلفت است. (ف) = نه م داره نه ستوره. (س) (?m dare ?asture.)

ج: این پارچه نازک است. (ف) = نه م پارچه یه ناسکه. (س) (m parcheje naseke?)

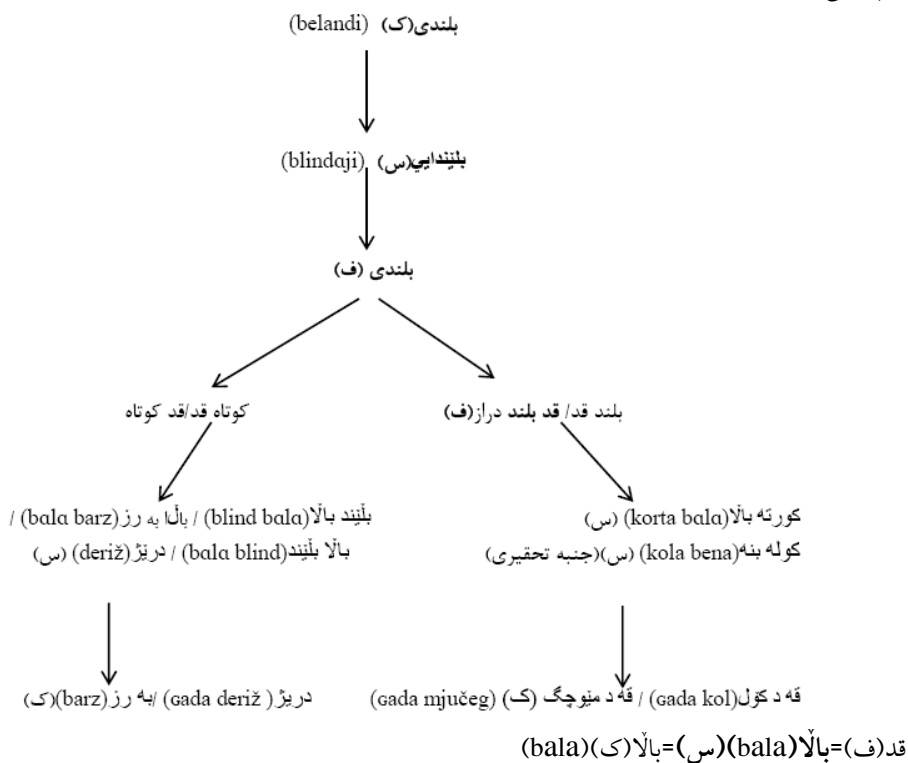
مثال ۴ د: ضخامت این کتاب چقدر است؟ (ف) = پینایی کتاوه گه چه نی گه؟ (ک)

(pinajI ketavege čani ga?)

ه: تنه این درخت کلفت است. (ف) = ته نه ی نی داره کولوفته. (ک) (tana ?I dare kolofto?)

و: این پارچه نازک است. (ف) = نی[†] پارچه نازگه. (ک) (i parče nazoga?)

۵. بلندی



مثال ۵ الف: این پسر کوتاه قد است. (ف) = نه م کوره کورته بالآ به. (س)

(?am kora korta balaja.)

ب: این پسر بلند قد/دراز است. (ف) = نه م کوره بالآ به رزه/ دریزه. (س)

* در صورتی که خیلی نازک باشد، می‌گویند «ته سک» (tasek). در فارسی معادل تک کلمه‌ای برای این واژه وجود ندارد.

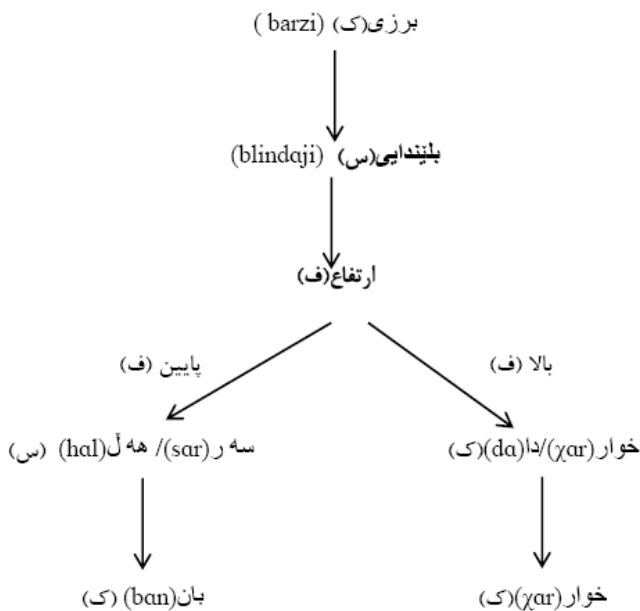
† به گفته گویشور معادل «این» در فارسی است.

(?am kora bala barza/ deriž.)

مثال ۵ ج: این پسر کوتاه قد است. (ف) = ئی کوره قه دی نزمه. (?i kora qadi nazma.)

د: این دختر بلند قد است. (ف) = ئی دوپته قه دی به رزه/دریژه. (?i dojita qadi barza.)

۶. بلندی (ارتفاع) کوه، پشت بام))



بلندی (ف) بلیندایی (س) = بلندی (belandi) (ک)

مثال ۶ الف: بالای کوه سرد است. (ف) = سه ری کئو سارده. (س) (sari kjoi sarda.)

ب: پایین کوه قشنگه است. (ف) = خواری کئو جوانه. (س) (χwari kjo dʒvane.)

(سه ر بان = بالای بام یا پشت بام) (sar ban.)

* در جملات از کوه بالا رفتم و یا از کوه پایین امدم به ترتیب از این جملات استفاده می کنیم.

ج: له کئو یک هه لگه رام. (la kjuak hal garam.)

د: له کئو دا گه رام. (la kjuak da garam.)

مثال ۶ ه: بالای این کوه سرد است. (ف) = بان کئوه گه سرده. (س) (ban kjoga sarda.)

و: پایین این کوه زیباست (ف) = خواری کئوه گه قه شه نگه. (س) (χwar kjoga qašnga.)

ز: از کوه بالا رفتم (ف) = له کئوه چیمه بان. (س) (la kju čime ban.)

س: از کوه پایین امدم (ف) = له کئوه هاتمه خواری. (س) (la kju hateme χwar.)

یادآوری: در مثال‌های فوق فارسی معیار را با حرف «ف» و کردی سورانی را با حرف «س» و کردی کلهری را با حرف «ک» نشان دادیم.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

۱. طول

معادل کلمه بلندی (طول، ف) دو کلمه «بلیندایی (blindaji)/به رزای (barzaji)» در زبان کردی (سورانی، کلهری) می‌باشد. این خود نمونه‌ای از شکاف واژگانی* است؛ در حالیکه متضاد همین کلمه یعنی «پستی» در زبان کردی (سورانی، کلهری) «نه ویایی (navyaji)» یک کلمه است.

گویشوران کرد زبان سورانی، برای به‌کار بردن معادل کلمه‌های «بلندی و ارتفاع»، در زبان کردی بیشتر از کلمه «بلیندایی (blindaji)» استفاده می‌کنند؛ در حالیکه گویشوران کلهری بیشتر از کلمه «به رزای (blindaji)» استفاده می‌کنند.

آموزش فارسی کلمه بلندی (طول)، به کرد زبانان (سورانی، کلهری)، چندان دشوار نیست؛ زیرا معادل این کلمه در دو گویش تقریباً مشابه است. مثال ۱. نمونه‌های: الف: ب، ج (ف، س، ک).

۲. عرض

معادل کلمه پهنا (ف)، در گویش سورانی، دو واژه «پانایی (pinaji)/به رینی (barini)» است که این واژه می‌تواند نمونه‌ای از شکاف واژگانی باشد.

هنگام فراگیری کلمه پهنا (ف)، توسط کرد زبانان (سورانی، کلهری)، به علت شباهت کلمه «پانایی» (panaji) (س) و «پینایی» (pinaji) (ک)، احتمال بیشتری می‌رود فراگیران دچار خطای بین‌زبانی[†] شوند.

فراگیران کرد زبان با لهجه کلهری شاید دچار خطای بین‌زبانی شوند؛ ولی به علت نداشتن واژه «به رینی» (barini) واژه پهنا (ف) را زودتر یاد می‌گیرند.[‡]

معادل واژه گشاد (ف) در کردی سورانی «فش (feš)» است؛ اما همین کلمه در کردی کلهری «وشا (veša)» می‌باشد.

در آموزش کلمه «گشاد (ف)» به فراگیران فارسی‌کردزبان می‌بایست به اختلافات دو زبان توجه

*. Lexical Split

†. Interlingual Errors

کرد. (در جایی که فراگیران از جامعه زبانی هر دو گویش می‌باشند).

متضاد همین کلمه «گشاد»، در دو گویش کلمات «باریک (barike) // اته نگ (tang)» می‌باشد. در اینجا می‌توان گفت که تقریباً با کلمات «باریک، تنگ» در فارسی مشابه‌اند؛ شاید به علت اختلاف در تلفظ، دچار خطای بین زبانی شوند. مثال ۲. نمونه‌های: الف، ب، ج، د، ه، و، ز، ر (ف، س، ک).

۳. عمق

معادل کلمه «گودی (ف)» در زبان کردی سورانی دو کلمه «قولایی (qulaji) / قولی (quli)» و در زبان کردی کلهری سه کلمه «قولیل (qvil) / چالی (čali) ← قولیلی (qvili)» می‌باشد. در اینجا نیز می‌توان گفت شکاف واژگانی وجود دارد. اما تلفظ معادل این کلمه در دو گویش (سورانی، کلهری) با هم کمی متفاوت است؛ با این حال به گفته دو گویشور در درک این دو کلمه در دو گویش، مشکل چندانی وجود ندارد.

معادل کلمه کم‌عمق (ف) در زبان کردی سورانی، دو کلمه «کم قول (kam qul) / په ل (pa:l)» می‌باشد؛ اما همین کلمه در زبان کردی کلهری، فقط واژه «کم قول (ka:m qul)» است.

معادل کلمه کم‌عمق در کردی سورانی، خود نمونه‌ای از شکاف واژگانی است.

معادل کلمه زیادگود (ف) در کردی سورانی «زور قول (zur qul)» می‌باشد؛ ولی در کردی کلهری «فره قولیل (fare qul)» است. ازین رو در دو گویش دو کلمه متفاوت وجود دارد. در صورتی که گویشور فارسی، در نمونه ۳، جمله «ذ(س)» را بجای «ذ(ک)» خطاب به گویشور کردی کلهری بگوید، دچار خطای گرامری نشده، بلکه در واقع دچار خطای سبکی شده است.

در فارسی هم جمله «این رودخانه کم عمق است.» و هم «این رودخانه عمق کم دارد.» با ساختار صفت واسم و اسم و صفت وجود دارد؛ ولی در کردی فقط ساختار صفت و اسم وجود دارد. مثال ۳. نمونه‌های: الف، ب، ج، د، ه، و (ف، س، ک).

۴. ضخامت

میان کلمه کلفتی در زبان فارسی و کردی کلهری تفاوت چندانی دیده نمی‌شود؛ اما معادل این کلمه در گویش سورانی «ئه ستوری (?asturi)» است.

میان کلمات «باریک، نازک» فارسی و کردی تفاوت چندانی دیده نمی‌شود (شاید تفاوت کمی به لحاظ تلفظ باشد)؛ اما گویشوران سورانی برای پارچه‌ای که بیش از حد نازک باشد، واژه «ته سک (tasek)» به کار می‌برند.

واژه «نازک (ف)» هم می‌تواند نمونه‌ای از شکاف واژگانی باشد.

معادل کلمه «ئه ستوری (?asturi)» دو کلمه «کلفت / ضخیم» در زبان فارسی می‌باشد؛ که در اینجا

هم نمونه‌ای از شکاف واژگانی برای کلمه «نه ستوری(asturi?)» می‌باشد. میان واژه «کلفت» در زبان فارسی و معادل آن در زبان کردی کلهری تفاوتی وجود ندارد؛ لذا در آموزش آن به زبان کردی کلهری هیچ‌گونه دشواری وجود نخواهد داشت. مثال ۴. نمونه‌های: الف، ب، ج، د، ه، و(ف، س، ک).

۵. بلندی(قد)

میان کلمه بلندی، در زبان فارسی و کردی کلهری تفاوتی دیده نمی‌شود؛ اما معادل آن در زبان کردی سورانی «بلیندایی(blindaji)» است. در زبان فارسی و زبان کردی سورانی، ساختار اسم-صفت و صفت-اسم برای (قد بلند/ بلندقد 'کوتاه-قد' قد کوتاه) وجود دارد؛ ولی در گویش کردی کلهری فقط ساختار اسم-صفت وجود دارد. «قهه کۆل(qad kol)/ قهه د میوچگ»، در زبان کردی کلهری به معنای «کوتاه قد» در دو حالت (مثبت و منفی) به کار می‌روند.

نحوه گفتن واژه‌های «قهه کۆل/ قهه د میوچگ(qad mjučeg)» در کردی کلهری نشان می‌دهد که این واژه‌ها به معنای «کوتاه‌قد» یا «کوتوله» است؛ اما معادل تحقیقی برای همین کلمه در کردی سورانی واژه «کوله‌بنه(kola bena)» است.

نحوه ادای کلمه‌های «قهه کۆل(qad kol)/ قهه د میوچگ(qad mjučeg)» از طرف گویشور فارسی-زبان به گویشور کردی سورانی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا ممکن است باعث خطای سبکی شوند. مثال ۵. نمونه‌های: الف، ب، ج، د(ف، س، ک).

۶. بلندی(ارتفاع) «کوه، پشت بام»

معادل کلمه «پایین(ف)» در کردی سورانی دو واژه «خوار(xwar) / دا(da)» است. در این مورد نیز شکاف واژگانی وجود دارد؛ اما معادل همین واژه در کردی کلهری «خوار(xwar)» است. به گفته دو گویشور در ارتباط با یکدیگر در مورد این کلمه مشکل چندانی وجود ندارند و بیشتر از واژه «خوار(xwar)» استفاده می‌کنند.

معادل کلمه «بالا(ف)» در کردی سورانی واژه‌های «سه ر(sar) / هه ل(hal)» می‌باشد. با توجه به اینکه معنای تحت‌لفظی «سه ر(sar)(س)» در زبان فارسی، «بالا» می‌باشد؛ در این مورد پیش‌بینی می‌شود که گویشور کردی سورانی دچار خطای سبکی شود. البته در اینجا به صراحت نمی‌توان گفت که این کلمه ویژگی شکاف واژگانی دارد؛ زیرا همانطور که اشاره کردیم معنای تحت‌لفظی «سه ر(sar)(س)» در

زبان فارسی واژه «بالا» می‌باشد.

در نمونه‌های «ج، د(س)» نشان دادیم که معادل «بالا رفتن، پایین آمدن(ف)» در زبان کردی سورانی، واژه‌های «ه ل گه رام(hal garam) / دا گه رام(da garam)» می‌باشد؛ در حالیکه که معادل همین واژه‌ها در زبان کردی کلهری، واژه‌های «چیمه بان(ĉimeban) / هاتمه خوار(hateme xwar)» است؛ ازین رو کاملاً با هم متفاوت‌اند.

در زبان فارسی ساختار ترکیبی «بالا رفت، رفت بالا، پایین رفت، رفت پایین» وجود دارد، ولی در زبان کردی(سورانی، کلهری) فقط ساختار ترکیبی «رفت بالا، رفت پایین» وجود دارد. مثال ۶. نمونه‌های: الف، ب، ج، د، ه، و، ز، ر، س (ف، س، ک).

در این پژوهش، با توجه به طرح مدل تحلیلی اسم‌های اندازه‌گیری فارسی و کردی (سورانی، کلهری)، نتیجه می‌گیریم: اختلافات بین زبانی، اختلافات بین گویشی، خطاهای سبکی، شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شکاف واژگانی میان زبان فارسی و کردی (سورانی، کلهری) و میان کردی سورانی و کلهری در روند آموزش زبان فارسی، در مناطقی که زبان فارسی برای آنان زبان دوم محسوب می‌شود، می‌تواند تأثیر منفی زیادی داشته باشد؛ ازین رو در این پژوهش با در نظر گرفتن مدل تحلیلی از مقایسه اسم‌های اندازه‌گیری زبان فارسی و کردی (سورانی، کلهری) و صفات مربوط به آنها، اختلافات بین زبانی، اختلافات بین گویشی، خطاهای سبکی، شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شکاف واژگانی میان دو زبان و دو گویش نشان داده شده‌است. با توجه به این مدل و توضیحات مبسوط در باره موارد یادشده، می‌توان این راهکارها را برای آموزش بهتر زبان فارسی در مناطقی که زبان فارسی برای آنان زبان ثانوی محسوب می‌شود، در نظر گرفت:

۱. کلمات اندازه‌گیری زبان فارسی و زبان کردی (کلهری، سورانی) به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند و در آنان نشان داده شد که تفاوت‌ها و شباهت‌های زیادی میان کلمات دو زبان، به لحاظ معنایی و آوایی وجود دارد که لازم است در فرآیند آموزش این تفاوت‌ها در نظر گرفته شوند؛ در غیر اینصورت بر روند درست آموزش تأثیر منفی خواهند داشت.

۲. در آموزش زبان فارسی تفاوت‌های زبان‌آموزان یک زبان با گویش‌های مختلف؛ برای نمونه: زبان-آموز کردزبان (کلهری، سورانی) باید در نظر گرفته شوند.

۳. لازم است در فرآیند آموزشی به خطاهای سبکی که می‌تواند مهمترین عامل در بوجود آمدن مشکلات آموزشی باشد، توجه کرد.

۴. خطاهای بین زبانی، شباهت‌ها و تفاوت‌های بین زبانی ناشی از تلفظ نیز شایسته توجه در فرآیند آموزش است.

اطلاعات جمع‌آوری شده در این پژوهش، فقط مبتنی بر گفته‌های سه گویشور ذکر شده می‌باشد و این احتمال وجود دارد که گویشور دیگری واجد اطلاعات زبانی جامع‌تری باشد. البته در این پژوهش، هدف ارائه مدل تحلیلی اسم‌های قابل اندازه‌گیری فارسی و کردی (سورانی، کلهری) و نشان دادن خطاهای بین

زبانی، خطاهای سبکی، اختلافات زبانی، گویشی و مدل آموزشی بوده است.

کتاب‌نامه

الف: منابع فارسی

- خرسند، ارسلان. (۱۳۶۷). «توصیف ساختمان فعل در لهجه کرمانشانی»، *مجله زبان شناسی*، س ۵، ش ۱، ص ۹۰-۱۰۸.
- کلباسی، ایران. (۱۳۶۷-الف). «ارگیتو در زبانها و گویش ایرانی»، *مجله زبان شناسی*، س ۵، ش ۲، ص ۷۰-۸۷.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۱). «مقایسه بین دو لهجه از گویش کردی». *فرهنگ، ویژه زبان شناسی*، ش ۱۳، ص ۱۶۳-۱۷۵.
- کلباسی، ایران. (۱۳۷۴). «مقایسه ای بین گویشهای کردی مهاباد، سنندج، کرمانشاه». *نشریه علوم انسانی*، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۵۹-۸۰.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا-اسد پور، هیوا (۱۳۸۶). «توصیف مشخصه‌های گویش سورانی». *نشریه زبان و ادبیات*، «مطالعات ایرانی». ش ۱۲، ص ۳۵-۵۶.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۷۱) «مسائل چند زبانی و آموزش زبان فارسی رسمی در ایران». *مجله رشد آموزش ادب فارسی*، س ۷، ش ۲۹-۳۰.
- ضیاء حسینی، سید محمد (۱۳۷۷). «بررسی مقابله‌ای عامل زمان در فعل فارسی و ترکی آذری». *نشریه: علوم انسانی*، ش ۲۶-۲۷، ص ۲۷-۵۴.
- مینورسکی، و. (۱۳۸۲) «کردها نوادگان مادها». نشر: ژیار.
- رضا مقدم، کیا (۱۳۸۵). «مقایسه مشخصه‌های زبر زنجیری در زبان‌های فارسی و ژاپنی». *نشریه: ادبیات و زبان‌ها* «پژوهش ادبیات معاصر جهان». ش ۳۳.
- رزم‌آرا، مرتضی (۱۳۸۴). «مقایسه فارسی تاجیکی و فارسی ایران». *نشریه ادبیات و زبان‌ها، مطالعات ادبیات تطبیقی*. ش: ۳، ص ۱۰۱ تا ۱۲۸.
- فرامرزی، شهسواری (۲۰۱۰). «لکی و کردی». *مجله: ISI ایران و قفقاز*، ش ۱۴.
- تفرجی یگانه، مریم (۱۳۹۱). «تحلیل نحوی فاعل در زبان کردی گویش جنوبی ایلامی در چارچوب نظریه‌ها و پارامترها». *نشریه علوم اجتماعی، فرهنگ ایلام*، ش ۳۴ و ۳۵، ص ۴۷ تا ۹۹.
- باطنی، محمد رضا. (۱۳۴۸). «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی»، تهران، امیر کبیر.
- خرم‌دل، مصطفی، (۱۳۸۹). «آموزش زبان کردی»، سنندج: هه ژار.

ب: منابع انگلیسی

- Johnsson, S.,(1975). The uses of error analysis and contrastive analysis(I). *English language Teaching*, 29, 246-253.
- Manuchehri, P., (1974). Explaining problems of Iranian students by comparing English and Farsi verb forms. *TESOL Quarterly*8.
- Nemser, William(1971)., Approximative system of foreign language learners. *IRAL*,9,115-123
- Richard, Randolph et al(1971). Non-contrastive approach to error analysis, *English Language Teaching. Rowley/Mass.,1973.*
- Selinker, Larry(1972). Interlanguage. *IRAL*, 10, 209-231.
- Zydatiss, W. (1974). Some Test formats for elicitation procedures. *IRAL*, 12, 281-287.
- Yarmohammdi,L.(1980). Contact anylysis of English and Persion measure words for pedagogical purposes. *IRAL*, 28.
- Yarmohammdi,L.(1996). A contrastive phonological analysis of English and Persian: A course book in phonological studies. Shiraz: Shiraz University Press.
- Yarmohammdi, L.(1969a). English consonants and learning problems for Persian. A contrastive Sketch. *TESOL Quarterly*, 3: 3, 231-236.
- Yarmohammdi, L. (1970). A note on contrastive analysis. *English Language Teaching*, 25, 1 , 76-79.
- Yarmohammdi, L. (1969). Problems for Iranians in learning English vowels. *Journal of English as a Second Language*, 4 : 2, 57-62.
- Yarmohammdi, L.(1990). A working framework for pedagogical contrastive grammar of Persian and English, in Yarmohammdi, L. Fifteen Article in Contrastive Linguistics and Structure of Persian: Grammar, Text and Discourse. *Tehran: Rahnama Publication.*
- Yarmohammdi, L.(1995). Fifteen article in contrastive linguistics and structure of Persian: Grammar, text and discourse. Tehran: Rahnama

Publication.

Yarmohammdi, L.(1381). A contrastive analysis of Persian and English(grammar, vocabulary and phonology). Payame Noor Press.

Yarmohammdi, L. and Rashidi,N(1389). Practical contrastive analysis of English and Persian with special emphasis on vocabulary. Fanuss Andishe Press.

Yarmohammdi, L. and Rashdi,N(2009). Practical contrastive analysis of English and Persian with special emphasis on grammar. Tehran: Rahnama Publication.